

حقوق به زبان ساده

دقیقاً می‌گویم

عبدالفتاح سلطانی

مهناز پراگند



قبل از ورود در بحث لازم است که تعریفی از متهم داشته باشیم:

متهم: در حقوق جزا به کسی اطلاق می شود که گمان برود کار مجرمانه ای انجام داده است. ولی هنوز ثابت نشده است که آن کار مجرمانه را او انجام داده است. چون اگر ثابت شود که عمل مجرمانه ای انجام داده، در این صورت به او متهم نمی گویند، بلکه مجرم خواهند گفت؛

مثال: قتلی اتفاق افتاده و شخصی را به عنوان مظنون به قتل متهم کرده اند، چون هنوز ثابت نشده که این شخص قتل را انجام داده است یا نه. در این مرحله به او عنوان متهم می دهند نه مجرم.

به عبارت دیگر متهم کسی است که گمان می رود ارتکاب بزه از ناحیه ی وی صورت گرفته است و اثبات اتهام گناه کار بودن او نیز به عهده کسی است که او را متهم کرده است. این طور نیست که متهم خودش مکلف به اثبات بی گناهی خودش باشد؛ زیرا هم در قوانین بین المللی مورد پذیرش ایران مثل: اعلامیه ی جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و هم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل بر این است که همه بی گناه هستند، مگر کسی که طبق مقررات قانونی و با دلائلی که قانون آن ها را معتبر می داند و در یک دادگاه عادلانه و بی طرف گناه کار بودن او ثابت شود. (۱)

بنابراین به صرف وجود گمان و تردید بر این که جرمی توسط کسی ارتکاب یافته است نمی توان آن شخص را به عنوان مجرم تلقی و معرفی کرد.

مثال: در یک ساختمان چهار طبقه ی چهار واحدی که همه مالکین دارای خودرو هستند، دزدی شبانه با باز کردن قفل در پارکینگ، وارد پارکینگ شده و لوازم قیمتی تمام خودروها به جز یکی از آن ها را به سرقت می برد. در این مرحله مراجع تحقیق و دادگاه باید در نهایت بی طرفی و با فرض بی گناه بودن متهم، با تحقیق از وی و بررسی مدارک و دلائل موجود داور و قضاوت کنند. به همین جهت و برای اینکه متهم بتواند دفاع قابل قبولی از خود ارائه دهد و دادگاه هم با رعایت بی طرفی به حقیقت برسد، قانون گذار حقوقی را برای متهم در نظر گرفته و مقرر داشته است؛ از جمله این که هر کس شکایتی علیه دیگری می کند، باید شکایت او مستدل باشد. دو گونه دلیل باید ارائه دهد:

یکم دلائل اثبات این مطلب که جرمی واقع شده؛

دوم این که جرم واقع شده را "متهم" انجام داده است.

در واقع دادسرا حق ندارد به شکایتی که بدون ارائه مدرک و دلیل اقامه شود و دلائل کافی برای احضار متهم و تحقیق از او وجود نداشته باشد، ترتیب اثر دهد و کسی را به عنوان متهم احضار و از او تحقیق کند. (۲)

پس تکلیف ارائه دلیل و اثبات گناه کار بودن متهم به عهده شاکی است و نه خود متهم. در مورد سرقت لوازم همسایگان از پارکینگ و متهم شدن یکی از آن ها (به سرقت نرفتن لوازم خودروی او) دلیل کافی برای ورود به اتهام نیست، بلکه فقط ایجاد ظن و گمان می کند. همسایه ها باید دلائل خود را به همراه شکایت شان به مرجع قضایی ارائه کنند، وگرنه هیچ کس نمی تواند بدون دلیل کسی را در مظان اتهام قرار دهد. برای مثال: اگر همسایه یی که متهم واقع شده پیش از این به جرم سرقت محکوم شده یا همسایه ها دیده باشند که او از پارکینگ خارج می شود یا کسی از همسایه ها وسیله یی از وسائل خودروهای به سرقت رفته را در دست او دیده باشد، در این صورت می توان شخص مظنون را مورد بازجویی قرار داد. به غیر از این شروع به تحقیق از کسی که هیچ قرینه یا دلالی علیه او نیست امری غیر قانونی تلقی می شود. وضع این مقررات سخت گیرانه بدین منظور است که مبادا بی گناهی بی جهت در معرض اتهام قرار گرفته و یا بی جهت محکوم و یا گناه کاری بیش از آن چه قانون تعیین کرده، مجازات شود.

انواع جرائم:

قبل از این که درباره ی حقوق متهم از زمان احضار به دادسرا و یا زمان دستگیری و جلب او صحبت کنیم، لازم است که بدانیم از یک نظر و با یک تقسیم بندی کلی، جرائم دو دسته هستند:

الف- جرائم مشهود

ب- جرائم غیر مشهود

جرائم مشهود

جرائمی هستند که دارای یک یا چند ویژگی زیر هستند:

۱) جرائمی که در برابر چشمان ماموران نیروی انتظامی اتفاق می افتند. برای مثال در خیابان درگیری صورت می گیرد و مامور نیروی انتظامی می بیند که آقای خسرو با چاقو به آقای مهران حمله کرده و به او ضربه ای می زند. در این صورت می گویند جرم مشهود است. چون مامورین نیروی انتظامی خود شاهد وقوع جرم بوده اند.

۲) جرائمی که بلافاصله بعد از وقوع آن ها مامورین در محل حاضر شده و آثار و علائم وقوع جرم را مشاهده می کنند. مثل این که بعد از نزاعی که بین آقای خسرو و آقای مهران در گرفته است مامورین انتظامی برسند و ببینند که آقای خسرو چاقویی در دست دارد که خون آلود است و آقای مهران هم با چاقو زخمی شده و محل زخم در حال خون ریزی است و بی حال یا بی هوش افتاده است. در این جا آثار وقوع جرم مثل زخمی بودن آقای مهران و علائم آن مانند وجود چاقوی خونی در دست آقای خسرو دلیل وقوع جرم است که چون مامورین آن را مشاهده کردند، جرم مشهود نامیده می شود.

۳) جرمی که در یک محیط بسته مثل خانه یا محل کار اتفاق افتاده است و مامورین با خبر شده و در آن جا حاضر شده اند. صاحب خانه یا صاحب کار به مامورین اجازه می دهد که وارد محل شده و آثار و علائم وقوع جرم را ببینند. برای مثال: در داخل منزل بین زن شوهر درگیری صورت می گیرد. فرض بگیریم زن و شوهر هم دیگر را مورد ضرب و جرح قرار داده اند. یکی از آن ها پلیس را خبر کرده و در منزل را به روی پلیس باز می کند، تا آثار درگیری و ضرب و جرح را مشاهده کنند. در این صورت جرم اتفاق افتاده "جرم مشهود" نامیده می شود.

۴) شخصی که مورد حمله قرار گرفته و آسیبی دیده است، خودش فرد مهاجم را به عنوان متهم معرفی می کند. برای مثال: در درگیری بین خسرو و مهران بعد از حضور مامورین در محل حادثه ممکن است چاقوی زنی دست کس دیگری باشد، اما مهران بی حال یا بی هوش نباشد و خودش به مامورین بگوید که شخصی که چاقو در دست دارد او را زده، ولی خسرو که در حال فرار است او را مضروب کرده، این هم "جرم مشهود" به شمار می آید.

۵) وقتی که جرمی اتفاق افتاده و متهم آن ولگرد است. به طور کلی تمامی جرائمی که توسط افراد ولگرد (کسانی که محل سکونت یا محل کار معینی ندارند) صورت می گیرد "جرم مشهود" تلقی می شوند.

جرائم غیر مشهود

جرائمی هستند که هیچ یک از ویژگی های مربوط به جرائم مشهود را ندارند. در واقع جرمی هستند که در خفا و دور از چشم مامورین یا انظار عمومی واقع می شوند. و در اصل با شکایت شاکی خصوصی یا دادستان مطرح می گردند.

حال ببینیم فایده ی تشخیص جرائم مشهود و غیر مشهود و جدا کردن آن ها از یکدیگر در چیست؟

در جرائم مشهود که بدون شکایت شاکی خصوصی یا دادستان مطرح می شوند و مامورین به طور مستقیم در جریان وقوع آن ها قرار می گیرند، مامورین می توانند بدون دستور مقام قضایی نسبت به دستگیری و جلب متهم و هدایت او به کلاتری اقدام کنند. اما در جرائم غیر مشهود که مامورین به طور مستقیم در جریان وقوع آن ها قرار نمی گیرند و با شکایت شاکی خصوصی یا دادستان مطرح می شوند، مامورین حق ندارند بدون دستور مقام قضایی اقدام کنند. در این گونه موارد برای دخالت و اقدام مامورین لازم است که مقام صالح قضایی (مثل بازرس یا دادیار و یا قاضی دادگاه) و در برخی مواقع دادستان، دستور اقدام دهد.

۱- حقوق متهم در هنگام دستگیری یا جلب:

الف) در جرائم مشهود:

گفتیم که در این جرائم مامورین می توانند بدون دستور مقام قضایی متهم را دستگیر و به کلانتری محل هدایت کنند. بدیهی است که مامورین مربوطه و در همان محل، صورت جلسه یی تنظیم و آن را به امضای حاضرین و متهم رسانده و با تهیه گزارشی مراتب دستگیری و تحویل متهم به کلانتری را اعلام می کنند. و گرنه هیچ یک از مراجع انتظامی (یعنی پاسگاه های کلانتری) حق ندارند متهمی را بدون صورت جلسه و گزارش و امضای مامور مربوطه به کلانتری تحویل دهند و اگر این طور شود، هم مامور مزبور مرتکب تخلف شده است و هم مرجع انتظامی که متهم را بدون گزارش تحویل گرفته، تخلف کرده است. بعد از این که متهم دستگیر و در کلانتری بازداشت شد، کلانتری یا مرجع انتظامی که متهم به آن جا تحویل شده، مکلف است که حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت متهم را به مرجع قضایی صالح معرفی کند تا در مورد او تعیین تکلیف شود.

همچنین مامورین نیروی انتظامی که شاهد وقوع جرم مشهودی هستند و به تبع آن متهمی را دستگیر و به کلانتری هدایت می کنند، حق ندارند هیچ گونه تعرض یا توهینی نسبت به او روا دارند و چنان چه هرگونه توهینی نسبت به متهم مرتکب شوند و یا او را مورد ضرب و جرح قرار دهند، متهم می تواند از مامورین مربوطه شکایت کند.

ب) در جرائم غیر مشهود:

در مورد متهمین جرائم غیر مشهود دستگیری و یا جلب متهم فقط با دستور و حکم خاص قضایی صورت می گیرد. برای مثال آقای کریم شکایت می کند که مستاجرش آپارتمانی را که او اجاره کرده به مرکز فساد تبدیل کرده و دلائل کافی هم برای اثبات این ادعای خود ارائه می کند و احتمال فرار متهم هم وجود دارد. در این صورت اگر قاضی دستور جلب او را بدهد باید در همان برگ جلب به طور مشخص اسم متهم و سایر مشخصات او را قید کند تا به اشتباه کس دیگری دستگیر نشود. قاضی حق ندارد که در برگه جلب بنویسد هر کسی که آن خانه را به مرکز فساد تبدیل کرده جلب و دستگیر شود. این چنین برگ جلی اعتبار قانونی ندارد چون بر خلاف حکم قانون گذار است. البته باید گفت مقام قضایی که برگ جلب صادر می کند در صدور جلب یا دستگیری متهم مختار و آزاد نیست و مقید به قیودی است که قانون گذار برای صدور آن قائل شده است. از جمله این که قاضی نمی تواند بدون وجود دلائل کافی متهمی را حتا احضار کند چه برسد به اینکه او را جلب کند. بنابراین در جرائم غیر مشهود، احضار و جلب و دستگیری متهم بدون حکم مخصوص مقام قضایی خلاف قانون است. بعد از این که شکایتی در داسرا مطرح شد و پرونده برای انجام تحقیقات به یک شعبه بازپرسی، یا دادیاری یا دادگاه فرستاده شد، بازپرس یا دادیار یا قاضی مربوطه مکلف است ابتدا دلائل شکایت را بررسی و در صورتی که دلائل را کافی تشخیص داد متهم را به وسیله ی ابلاغ احضاریه یی به داسرا یا دادگاه احضار کند.

در احضاریه ی مزبور باید علت احضار و محل حضور و نتیجه عدم حضور قید شود زیرا هیچ مقامی حق ندارد بدون دلیل فردی را به هر عنوانی احضار کند. متهم باید بداند که به چه دلیل و به چه عنوان احضار شده و به کجا باید مراجعه کند و اگر مراجعه نکرد چه عواقبی دارد. (۴)

یکی از نتایج عدم حضور بدون عذر موجه متهم در موعد مقرر در احضاریه، صدور برگ جلب او توسط مقام قضایی است. برگ جلب صادره باید حاوی همان مضمون احضاریه یعنی نوع اتهام و محل حضور باشد. (۵)

در خصوص جلب متهم نیز قانون گذار برای متهم حقوقی در نظر گرفته است که عبارتند از:

۱- جلب متهم باید در روز به عمل بیاید مگر این که فوریت داشته باشد که تشخیص فوریت با قاضی است. در این صورت قاضی که برگ جلب را به قید فوریت صادر می کند مکلف است موجوبات فوریت و ضرورت جلب متهم در شب را در صورت جلسه درج و اعلام کند.

۲- در هنگام جلب، مامورین حق ندارند وارد منزل یا محل کار متهم بشوند مگر اینکه در برگ جلب صادره دستور ورود به محل حضور

او که در اصطلاح مخفیگاه گفته می شود، نیز صادر شده باشد. (۶)

۳- برگ جلب زمانی صادر می شود که از قبل احضاریه بی برای متهم فرستاده شده باشد و با وجود اطلاع متهم از احضار، در حالی که هیچ عذر موجهی هم برای عدم حضورش نداشته باشد در بازپرسی یا دادگاه حاضر نشده باشد. مگر این که متهم بی جا و مکان باشد یا این که مجازات جرمی که به او نسبت داده شده برای مثال قصاص یا اعدام باشد، که در این صورت بدون اینکه برای اش احضاریه فرستاده شود، او را جلب می کنند. (۷)

توضیح اینکه متهم به علت عذر موجه مانند بیماری شدید یا فوت نزدیکان به رغم ابلاغ احضاریه نتواند حضور پیدا کند در این صورت قاضی حق جلب متهم را ندارد.

حقوق متهم پس از احضار یا جلب

چنانچه در جرائم غیر مشهود فردی به عنوان متهم با حکم مخصوص قاضی، توسط مامورین دستگیر شود. مامورین (که در این موارد قانون به آن ها ضابطین دادگستری گفته می شود) نخست باید اقدامات لازم را برای جلوگیری از محو آثار جرم و فرار متهم و هر تحقیقی که برای کشف جرم لازم است به عمل آورده و نتیجه ی اقدامات خود را به اطلاع مرجع قضایی صالح برسانند. سپس بقیه عملیات مربوط به تحقیقات را - اگر مرجع قضایی لازم دانست که توسط ضابطین دادگستری انجام شود - با دستور نظارت مقام قضایی انجام دهند. (۸)

الف- تفهیم اتهام و دلائل آن

آن چه که باید در اولین اقدام از ناحیه ی ضابط دادگستری رعایت شود این است که بلافاصله موضوع اتهام را به طور کتبی با ذکر دلائل به متهم تفهیم و ابلاغ کنند. (۹) پس، یکی از مهم ترین حقوق هر متهم (حتما متهمی که در صحنه وقوع جرم و در معرض دید مامورین دستگیر شده است) این است که بلافاصله و به و طور کتبی، نوع اتهام و دلیل و دلائل آن به وی تفهیم شود.. یعنی فرد دستگیر شده یا متهم باید از همان ابتدای امر بداند که به چه دلیلی و به چه نوع جرمی مورد اتهام واقع شده است. بنابراین یکی از مهم ترین حقوق متهم، تفهیم اتهام و دلائل آن به طور کتبی به اوست. تا با آگاهی از نوع اتهام و دلائل آن به دفاع از خود بپردازد.

برای مثال اگر کسی در تاریخ ۹/۶/۶۷ در منزل شخصی کشته شده باشد و آلت قتاله هم اسلحه ی صاحب منزل باشد و صاحب اسلحه را دستگیر کنند و به او تفهیم کنند که: متهم هستی به قتل، دلیل اش هم این که: ۱- جسد در منزل شما پیدا شده و ۲- وسیله یی که مقتول با آن کشته شده اسلحه متعلق به شماست.

حال اگر متهم در آن تاریخ در مسافرت بوده باشد و دلیل هم داشته باشد، وقتی از اتهام و دلائل اتهامات اش آگاه شد می تواند با ارائه دلیل ثابت کند که در زمان وقوع قتل در منزل و در شهر محل وقوع قتل نبوده است و در این جا دست کم معلوم می شود که از اسلحه کس دیگری استفاده کرده و باید دنبال قاتل واقعی بگردند.

به این ترتیب با رعایت مقررات انونی مذکور سر بی گناهی بالای دار نمی رود! و امکان دفاع برای افراد بی گناه میسر می شود.

ب- حق استفاده از وکیل:

همان گونه که قانون گذار اجازه داده که در مواقع خطر جانی یا مالی هر شخصی بتواند با رعایت شرایط قانونی از خود دفاع کرده و خطر را از خودش دور کند؛ در واقع به او اجازه ی دفاع مشروط داده است؛ در امور حقوقی نیز چنان چه شخصی مواجه با حمله یی شود (یعنی دعوایی کیفری یا حقوقی علیه وی مطرح شود) حق دارد با استفاده از ابزارهای مناسب قانونی از حقوق خود دفاع کند. به عبارت دیگر چون در این صورت حمله ی انجام شده به چنین شخصی (مثل ایراد اتهام) با توجه به ابزارهای قانونی صورت می گیرد و به طور معمول اشخاص غیر متخصص در امور حقوقی با مسائل قانونی و زیر و بم های حقوق خود آشنا نیستند. باید امر دفاع را کسی که آشنا با مسائل حقوقی و مسلط به قوانین کشور باشد به عهده گیرد تا بتواند دفاعی مناسب حمله (یعنی ایراد اتهام) به عمل آورد. یعنی انتخاب وکیل در واقع برای استیفای حق دفاع است که از حقوق اولیه هر شهروند ایرانی است و تنها وکیل مدافع می تواند چنین حقی را به

را به نحو احسن استیفاء کند. به همین دلیل در اغلب سیستم های حقوقی مدرن جهان امروز همراه داشتن وکیل در تمامی مراحل تحقیق و رسیدگی از حقوق اساسی هر شخص است. در قانون آئین دادرسی ما نیز چنین حقی برای طرف های دعوا در نظر گرفته شده است. نه تنها متهم حق دارد که از وکیل استفاده کند بلکه دادرسی مکلف شده است که اگر متهمی وکیل نداشت برای او امکانات استفاده از وکیل را فراهم کند. (۱۰)

پ- منع تهدید و شکنجه متهم:

در رابطه با این بند دو سوال مطرح می شود:

- ۱) آیا مقام قضایی یا کسی که با دستور مقام قضایی تحقیقات می کند حق دارد هر گونه سوالی که خودش لازم می داند مطرح کند؟
- ۲) آیا مقام قضایی یا کسی که با دستور مقام قضایی تحقیقات به عمل می آورد حق دارد پاسخ سوالات اش را به هر طریقی که لازم می داند از متهم بگیرد؟

در پاسخ به سوال های مطرح شده باید گفت؛ یکی دیگر از مواردی که مراجع تحقیق و قضات در رسیدگی و تحقیقات باید مورد توجه قرار دهند، تا متهم در کمال آزادی اراده و اختیار، پاسخ سوالات مطروحه را داده و دادرسی یا دادگاه را به سمت حقیقت راهنمایی این است که مرجع تحقیق تحت هیچ عنوانی و در شرایطی حق ندارد هر گونه سوالی که به نظر خودش لازم است مطرح کند. بلکه سوال هایی که از متهم می شود باید:

در ارتباط با موضوع اتهام باشند. یعنی قاضی حق ندارد سوال های غیر مرتبط با موضوع اتهام را از متهم بپرسد. منظور از سوال های غیر مرتبط با موضوع اتهام، سوال هایی است که پاسخ به آن ها هیچ تاثیری در کشف حقیقت و اتهام وارده ندارد.

مثل اینکه: در پرونده ای که موضوع آن سرقت است از متهم راجع به [شرب خمر] سوال و تحقیق شود همچنین قاضی حق ندارد سوال هایی درباره گذشته متهم، که بی ارتباط با موضوع اتهام است، بکند.

مثل اینکه: از متهم بپرسند آیا در سال های پیش سفر به خارج از کور داشته ای یا نه؟ یا بپرسد آیا تاکنون رابطه ی نامشروع داشته ای یا نه؟ این گونه سوال ها، سوال های غیر مفید و غیر مرتبط با موضوع اتهام هستند که پاسخ آن ها هیچ تاثیری در رسیدن قاضی به حقیقت ندارد.

در ضمن: قاضی حق ندارد طوری از متهم سوال و تحقیق کند که در واقع پاسخ به آن را به متهم القا و تلقین کند. برای مثال از

متهم، که از اصل منکر سرقت است بپرسد مال مسروقه را به چه کسی فروختی؟ این گونه سوال القایی یا تلقینی است که قانون

گذار طرح این گون سوال های را ممنوع کرده است. همچنین قاضی یا مقام تحقیق حق ندارد متهم را اغفال کرده و با فریب دادن متهم

او را وارد به پاسخ گویی کند. برای مثال به متهم بگوید اگر این سوال را پاسخ بدهی و اتهام را قبول کنی، در مجازات ات تخفیف

داده می شود، یا اگر اتهام را بپذیری پرونده را می بندم و آزاد می شوی. و نیز قاضی یا مقام قضایی حق ندارد در مورد عقاید و

نظرات متهم در موارد خاصی سوال کند، زیرا این گونه سوال ها جنبه تفتیش عقاید دارند و طرح آن ها ممنوع شده است.

مثل اینکه از متهم بپرسند: نظرت در مورد فلان مقام مملکتی چیست؟ یا اینکه آیا در نماز جمعه شرکت می کنی؟ تابع چه مذهبی

هستی؟ و از این قبیل سوال ها که جنبه ی تفتیش عقاید دارند. اما در خصوص این که آیا قاضی یا مقام تحقیق حق دارد از هر طریقی

که لازم می داند به حقیقت برسد، لازم به یادآوری است که هر گونه تهدید یا شکنجه متهم و اجبار او به پاسخ دادن ممنوع است و

قاضی یا هر کسی که با دستور قاضی از متهم تحقیق می کند حق ندارد از هر راهی که تشخیص می دهد پاسخ سوال هایش را به

دست آورد. و به عبارت دیگر به اصطلاح حقوق دانان، تحصیل دلیل از طرق غیر قانونی ممنوع است. از آن جایی که

تهدید، شکنجه، اجبار و اغفال متهم به پاسخ گویی، طرح سوالاتی که تلقینی و القایی هستند، یا طرح سوال هایی که غیر مفید هستند و

ارتباطی با موضوع اتهام دارند، طبق قانون منع شده است و طرح آن ها غیر قانونی است (۱۱)

پس تحقیقاتی که بدون رعایت این موارد انجام شود غیر معتبر است و قاضی دادگاه نمی تواند در هنگام صدور رای به آن ها توجه کند. اگر رای بدون رعایت این موارد صادر شود در مراحل تجدید نظر و در مراجع بالاتر قابل نقض است.

ت- رعایت حق سکوت:

سوال: آیا متهم می تواند از پاسخ به سوال هایی که در بازجویی یا بازپرسی و یا دادگاه از او می شود خودداری کند؟ به عبارت دیگر آیا متهم می تواند از پاسخ به سوال ها طفره برود؟

پاسخ: یکی از حقوق حقه ی هر متهم در این قبیل موقعیت ها حق سکوت است. یعنی متهم حق دارد پاسخ سوال ها را ندهد و سکوت کند. در این گونه موارد مرجع قضایی حق ندارد او را وادار به پاسخ گویی کند، بلکه فقط مکلف است سکوت متهم را صورت جلسه کند و برای کشف حقیقت، درباره ی ادله ی دیگر تحقیق کند (۱۲)

ث- رعایت حرمت و کرامت فرد دستگیر شده

نگهداری متهم در سلول انفرادی و تحقیق و بازجویی از وی در شرایط فشار و غیر عادی مثل تحقیق با چشم یا دست و پای بسته، یا تحقیق و بازجویی در شب آن هم برای مدتی طولانی به نحوی که مانع خواب متهم شود، خلاف مقررات قانونی است. زیرا اعمال هر گونه شکنجه به افراد دستگیر شده ممنوع است. رعایت حرمت و کرامت انسانی همه متهمین از وظایف اساسی مامورین و متصدیان تحقیق است. بنابراین مامورین و کسانی که کار تحقیق از متهم را انجام می دهند، حق ندارند متهم را در شرایطی قرار دهند که حرمت و کرامت انسانی او تضییع شود. بلکه تکلیف دارند که با متهم طوری رفتار کنند که شخصیت انسانی او حفظ شود. زیرا همان طور که گفتیم متهم کسی است که هنوز جرم او اثبات نشده است و ممکن است که حتا بعد از این که تحقیقات تمام شد حکم برائت او صادر شود. هر چند که اگر مجرم هم شناخته شود، باز مامورین حق ندارند با او به طور غیر انسانی رفتار کنند (۱۳) و نیز تا زمانی که حکم قطعی علیه کسی صادر نشده و ثابت نشده است که مجرم بوده، هیچ یک از مقامات قضایی حق ندارند اتهام او را افشا کنند و لطمه به آبرو و حیثیت او وارد کنند. (۱۴)

ج- ممنوع بودن استراق سمع و شنود مکالمه های تلفنی متهم:

از دیگر حقوق متهمین، مصون و محفوظ بودن مکالمه های تلفنی و نوشته های آن ها از کنترل و دید دیگران است بدین معنی که هیچ کس حق ندارد تلفن او را کنترل کند، مگر با دستور قاضی، آن هم در مواردی که ضروری تشخیص دهد که در این موارد قاضی مکلف است جهت ضرورت را با ذکر دلیل در دستور خود قید کند. (۱۵)

برای مثال قاضی که دستور می دهد مکالمه های تلفنی متهم شنود شود، در دستور خود قید کند دلیل این که مکالمه های تلفنی متهم باید شنود شود و علت ضروری بودن آن چیست؟ به طور مثال بگوید برای این است که شاکی به آن استناد کرده است و قرینه ی قوی بر وجود دلیل وقوع جرم در آن مکالمه ها ارائه شده باشد.

پس همه مکالمه های مردم و نامه ها و دست نوشته ای آنان باید محرمانه تلقی شود و هیچ کس حق ندارد آن ها را کنترل و یا تلفن های آن ها را شنود کند. اما گاهی ممکن است یکی از دلایل شاکی برای ادعای اش مثلا مکالمه ی تلفنی متهم باشد که تقاضا کرده است تا از مخابرات استعلام شود. اما قاضی یا هیچ کس دیگر حق ندارد به منظور ساختن دلیل، دستور بدهد مکالمه های شخصی شنود و کنترل شود. اگر در مورد کسی این کار انجام شود و با کنترل و شنود تلفن کسی علیه او دلیل درست کنند، چون این دلیل از راه غیر قانونی به دست آمده است، از نظر قانونی معتبر نیست و کسی که چنین دستوری داده متخلف است.

چ) اخذ آخرین دفاع:

پس از رعایت تمامی حقوق متهمین و پایان امر تحقیقات و رسیدگی، یکی دیگر از مهم ترین حقوق متهم در مرحله تحقیق و تعقیب و رسیدگی (در دادسرا و دادگاه) اخذ آخرین دفاع از متهم است که پس از اخذ آخرین دفاع از متهم دیگر هیچ گونه ادعایی در خصوص اتهامی که نسبت به آن، آخرین دفاع اخذ شده است پذیرفته نمی شود و به عبارت دیگر در جلسه های تحقیق و رسیدگی، متهم آخرین فردی است که در دفاع از خود اظهاراتی را بیان می کند و بعد از این مرحله دادسرا با اعلام ختم تحقیقات مبادرت به صدور قرار (اعم از منع پیگرد، موقوفی تعقیب یا مجرمیت) می نماید و دادگاه با اعلام ختم دادرسی مبادرت به صدور قرار موقوفی تعقیب یا حکم برائت یا محکومیت می کند. به زبان ساده تر باید گفت بعد از اینکه تحقیقات تمام شده و همه دلائل و مدارک شاکی بررسی گشت و دفاعیات متهم شنیده شد، آخرین حرف را در دادسرا و دادگاه متهم می زند، یعنی قاضی باید دوباره به متهم بگوید که اتهام شما این است (برای مثال شما متهم به کلاهبرداری هستید) و دلائل اتهام شما این است (برای مثال چاپ آگهی در روزنامه و اعلام اینکه دارای شرکتی هستید که افراد را به خارج از کشور اعزام می کند و اینکه مدارک شاکی دلالت می کند که شما از او پول گرفته اید) حالا آخرین دفاع شما در مقابل این اتهام و دلائل ارائه شده چیست؟ به این می گویند اخذ آخرین دفاع که باید قبل از اینکه دادگاه یا دادسرا آخرین تصمیم را بگیرد از متهم بخواهد که برای آخرین بار از خودش دفاع کند و بعد از آن ختم تحقیقات یا رسیدگی را اعلام کرده، رای بدهد.

ح- حق ملاقات متهم بازداشت شده:

منظور از متهم بازداشت شده متهمی است که با اینکه برای او قرار وثیقه و یا قرار کفالت صادر شده است، متهم نتوانسته وثیقه یا کفیل معرفی کند و به همین دلیل تا موقع معرفی وثیقه یا کفیل باید بازداشت شود. در این صورت می گویند به واسطه ی عجز از پرداخت وثیقه یا معرفی کفیل بازداشت می شود یا متهمی است که برای او قرار بازداشت موقت صادر شده است و به همین دلیل در بازداشت به سر می برد. چنین شخصی می تواند با شرایطی که برای اش تعیین می کنند به مرخصی برود (۱۶). و همچنین باید در این مدت با وکیل یا با افراد خانواده خود ملاقات داشته باشد.

خ) حق برخورداری از دادرسی عادلانه و دادگاهی صالح و بی طرف:

برخی از جرائم از جمله جرائمی هستند که تحقیق از متهم و رسیدگی به آن ها فقط در صلاحیت دادگاه است و دادسرا حق دخالت در اینگونه موارد را ندارد. مثل تحقیق در جرائم منافی عفت و یا رسیدگی به اتهامات اطفال که به طور مستقیم در دادگاه های مربوطه مطرح می شوند.

اگر اینگونه پرونده ها به دادسرا فرستاده شوند متهم حق دارد که اعتراض کند و بخواهد که پرونده اش در دادگاه مربوطه رسیدگی شود. (۱۷)

همچنین جرائمی که مجازات قانونی آن ها قصاص نفس، قصاص عضو، رجم، اعدام و یا حبس ابد است و نیز جرائم مطبوعاتی و سیاسی، در دادگاه های خاصی تحت عنوان دادگاه کیفری استان رسیدگی می شود. رسمیت این دادگاه ها با حضور سه یا پنج قاضی است. البته در جرائم مطبوعاتی و سیاسی حضور هیات منصفه نیز در دادگاه الزامی است. به همین دلیل این موارد که مربوط به صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده است، یکی از حقوق متهم برای رسیدگی دقیق تر و در شرایطی بهتر به اتهام به شمار می آید. (۱۸)

پس از تصویب قانون اصلاح آئین دادرسی کیفری در سال ۱۳۸۱ که به موجب این قانون دادسرا ها احیاء و دوباره تشکیل شدند، یکی دیگر از حقوقی که برای متهم در نظر گرفته شده است این است که دادگاه فقط به جرائم مدرج در کیفرخواست، وقف قانون آئین دادرسی مربوطه رسیدگی می کنند؛ یعنی این که دادگاه ها حق ندارند به اتهامات متعددی که علیه متهم اعلام شده ولی در قرار مجرمیت و کیفرخواست ذکر شده از آن ها به میان نیامده، رسیدگی و حکم صادر کنند. برای مثال اگر در کیفرخواست (کسی) فقط متهم به سرقت شده است، دادگاه حق ندارد علاوه بر سرقت به اتهامات دیگری که ممکن است به او وارد شود، مثل فروش مال مسروقه، هم رسیدگی کند (۱۹) یعنی فقط حق دارند به مواقعی که پس از تحقیقات لازم در کیفرخواست جرم تلقی شده اند رسیدگی نموده و حکم صادر کنند. در چنین مواردی که دادگاه به موارد خارج از کیفرخواست نیز رسیدگی می کند، متهم حق دارد که اعتراض نموده و این

و این ایراد می تواند از مواردی باشد که در مرحله تجدید نظر موجب نقض دادنامه شود.

(د) حق برخورداری از قاضی صالح و بی طرف:

برای رعایت حقوق متهم شرایطی نیز برای صلاحیتقاضی تحقیق یعنی (بازپرس، دادیار، دادستان) و قاضی صادر کننده حکم در نظر گرفته شده است که چنان چه در پرونده قاضی تحقیق (یعنی بازپرس یا دادیار و یا قاضی صادر کننده حکم) یکی از شرایط زیر را (به عنوان مثال) داشته باشد، طرفین دعوا می توانند به صلاحیت وی ایراد وارد کنند:

۱- اگر پیش از این در آن مورد نسبت به همان متهم حکم صادر کرده و یا تصمیمی قضایی گرفته باشد.
۲- با طرف دعوی نسبت خویشاوندی داشته باشد.

۳- اگر قاضی یا بازپرس در قضیه نفع داشته باشد، دیگر چنین قاضی ای صلاحیت ندارد برای تحقیقات یا رسیدگی وارد قضیه شود و قرار یا حکم صادر کند. (۲۰)

پس یکی دیگر از حقوق متهم حق ایراد به صلاحیت دادرس یا قاضی است که در این گونه موارد متهم می تواند با ایراد(رد

دادرس)، عدم صلاحیت قاضی تحقیق یعنی بازپرس یا دادیار تحقیق یا قاضی صادر کننده حکم را اعلام کند.

د- ۱- حق محاکمه متهم به اتهامات متعدد در محکمه ی واحد

سوال: اگر یک نفر به انجام چهار جرم سرقت، خیانت در امانت، جاسوسی و فرار از خدمت نظام وظیفه متهم شده باشد آیا در یک دادگاه محاکمه م شود یا به طر جداگانه در دادگاه های مختلف؟

اول: می دانیم که طبق قانون چهار نوع دادگاه داریم که برای رسیدگی به جرائم صالح هستند:

الف=دادگاه عمومی: که برای رسیدگی به جرا

ب_ دادگاه انقلاب: که برای رسیدگی به جرائمی که قانون آن ها را جرم سیاسی یا امنیتی تلقی کرده است، صالح هستند. مثل: تبلیغ علیه نظام، اقدام علیه امنیت ملی، جاسوسی و...

پ- دادگاه نظامی: که برای رسیدگی به جرائم خاص نظامیان صالح هستند. آن هم فقط در صورتی که نظامی ها در موقع انجام وظیفه ی نظامی خودشان مرتکب جرم شده باشند. مثل: فرار از خدمت.

ت- دادگاه کیفری استان: برای رسیدگی به جرائم سنگین مثل قتل، تجاوز به عنف و امثال آن.

پس در مورد چهار اتهام فوق الذکر به اقدام علیه امنیت ملی در دادگاه انقلاب، به خیانت در امانت و سرقت در دادگاه عمومی و به فرار از خدمت در دادگاه نظامی رسیدگی می شود.

دوم: اگر همه جرائمی که به متهم نسبت داده می شود، از نظر مجازات یکی باشند و هیچ کدام از آن جرائم مجازات اش بیش از

مجازات جرایم دیگر نباشد، و همه ی آن ها در صلاحیت دادگاه عمومی باشند، در این صورت به همه ی این جرائم در یک دادگاه رسیدگی می شود.

سوم: گاهی ممکن است جرائمی که متهم به انجام آن ها متهم شده است از نظر مجازات با هم فرق داشته باشند. برای مثال مجازات

یکی سه تا شش ماه باشد و مجازات جرم دیگر یک تا سه سال و مجازات جرم سوم دو تا ده سال مجازات باشد، در این صورت به همه

ی این اتهامات در دادگاهی رسیدگی می شود که برای رسیدگی به جرم سنگین تر (مهم تر) صالح است. برای مثال در مورد

سرقت، خیانت در امانت و کلاهبرداری چون مجازات کلاهبرداری از همه بیشتر است، در دادگاهی رسیدگی می شود که در مقر آن

دادگاه واقع شده باشد. مگر در مواردی که کسی متهم به انجام یک جرم شده باشد، مثل سرقت؛ و رسیدگی به اتهام سرقت شروع شده

باشد، اما در حالی که به اتهام سرقت رسیدگی می شود یک شکایت دیگر هم به عنوان کلاهبرداری از او بشود، در این صورت به اتهام

کلاهبرداری در همان دادگاهی که به اتهام سرقت رسیدگی می کند و زودتر این کار را شروع کرده، رسیدگی می شود.

ذ-۲- حق محاکمه ی شرکا و معاونین جرم، هم زمان در محکمه ی واحد:

سوال: اگر چند نفر با هم مرتکب جرم شده باشند و متهم اصلی در تهران باشد، اما برخی از متهمین در قم و یکی در سمنان باشند، آیا هر کدام در شهر خودشان محاکمه می شوند؟

پاسخ: خیر. در مواردی که جرم توسط چند نفر انجام گرفته، برای این که متهمین دارای شرایط مساوی برای تحقیق و رسیدگی باشند، به اتهام همه ی آن ها در دادسرا یا دادگاهی رسیدگی می شود که به اتهام (مجرم اصلی) در آن دادسرا یا دادگاه رسیدگی می شود. فایده ی این نحوه ی رسیدگی این است که در ابتدا دادگاه با اشراف بیشتری به پرونده رسیدگی و حکم شایسته تری صادر می کند. دوم اینکه ممکن است اظهارات یکی از متهمین به نفع دیگران مورد استفاده قرار گیرد و به این ترتیب از تضییع حقوق افراد جلوگیری می شود (۲۲)

(ر) حق تحصیل اطلاعات از پرونده

سوال: آیا متهم حق دارد که از محتویات پرونده مطلع شود یا نه؟

پاسخ: بلی. همین که پرونده به دادگاه فرستاده شد و برای آن وقت رسیدگی تعیین شد و متهم یا وکیل وی از آن مطلع شدند، حق دارند که با مراجعه به دفتر شعبه دادگاه، پرونده را مطالعه کنند و همان جا آن را مطالعه و محتویات اش را ملاحظه کنند. مثال: کسی متهم به قتل است و دلیل آن هم دو چیز است؛ یکی چاقویی خونی که کنار جسد بوده است و دیگری فیلمی که در موقع وقوع قتل با دوربین های مدار بسته گرفته شده است و آن فیلم نشان می دهد که متهم با چاقو به قلب مقتول زده و او را کشته است. وقتی متهم یا وکیل اش به دفتر شعبه مراجعه می کنند و می خواهند از محتویات پرونده مطلع شوند، دادگاه مکلف است که هم اوراق پرونده را برای مطالعه در اختیار متهم یا وکیل اش قرار بدهد و هم چاقوی خونی ای که ضبط شده و ضمیمه پرونده است را به رویت متهم یا وکیل اش نشان بدهد. تا بتوانند در روز محاکمه دفاع قانونی لازم را به عمل آورند یا نسخه ای از فیلم یا نوار تهیه و در اختیار متهم یا وکیل اش قرار گیرد (۲۳)

(ژ) حق مطالعه صورت جلسات و هر اوراقی که برای امضا در اختیار متهم قرار می گیرد:

سوال: آیا قاضی می تواند به متهم بگوید حق نداری صورت جلسه های دادگاه را مطالعه کنی یا این که به بهانه ی کمبود وقت، متهم را از مطالعه صورت جلسه دادگاه یا هر مطلبی که برای امضا در اختیار او قرار دهد منع کند؟

پاسخ: خیر. متهم حق دارد تا زمانی که مطالبی را به تمامی مطالعه نکرده است و از محتویات آن به طور کامل با خبر نشده است، از امضای زیر آن برگه خودداری کند و هیچ مقامی (حتا قاضی ۹ حق ندارد او را وادار به امضای مطلبی کند که آن را مطالعه نکرده است و یا ممکن است سفید امضا باشد.

مثال: ممکن است در بازجویی برگه ای را در مقابل متهم قرار دهند و بگویند امضا کن یا انگشت بزن. این قبیل برخوردها غیر قانونی است و مقام قضایی یا هر مرجعی که امر تحقیق به او واگذار شده است و یا مسئول به امضای متهم رساندن مطلبی است، مکلف است ابتدا به متهم تفهیم کند متنی که در اختیار او قرار داده می شود را بخواند و سپس در صورت تایید آن را امضا کند. زیرا امضای سند و مدرکی و هر برگه ای در واقع تایید محتوایت آن است و لازمه اش مطالعه و کسب اطلاع از محتویات آن برگه است. (س) حق اعتراض به قرار بازداشت:

در صورتی که برای تضمین حضور متهم در دادسرا یا دادگاه، لازم باشد که قاضی قرار بازداشت موقت صادر کند، باید حتما در متن قرار بازداشت موقت، قابل اعتراض بودن آن را هم قید کند و نیز به متهم تفهیم کند که قرار بازداشت موقت قابل اعتراض است و ده روز فرصت دارد که به این قرار اعتراض کند. پس یکی دیگر از حقوق حقه ی متهم "داشتن حق اعتراض به قرار بازداشت موقت" است که به اعتراض وی در دادگاه رسیدگی می شود. حال اگر قرار بازداشت دو ماهه صادر شود و متهم اعتراض کند، ولی دادگاه قرار را تایید کند، باز هم متهم حق دارد بعد از یک ماه به این قرار اعتراض کند و دادسرا تکلیف دارد که اعتراض متهم را به دادگاه بفرستد تا دوباره به آن رسیدگی شود. ممکن است شرایطی پیش بیاید که موجبات بازداشت متهم از بین برود. در این صورت هم متهم می تواند

از بازپرس بخواهد که قرار بازداشت او را فسخ کند.

مثال: ممکن است دو نفر با هم جرمی را مرتکب شده باشند، فقط یکی از آن‌ها دستگیر شده و از او تحقیق شود ولی دیگری فراری باشد و بازپرس برای جلوگیری از تبانی این دو متهم با یکدیگر قرار بازداشت متهم دستگیر شده را صادر کند و بعد از پانزده روز متهم فراری هم دستگیر شود، و تحقیقات لازم انجام بشود، چون امکانتبانی بادستگیری او و انجام تحقیقات از بین رفته است متهم اولی که در بازداشت است می‌تواند از بازپرس تقاضا کند که قرار بازداشت او را فک کند و به قرار خفیف تر و مناسب تری تبدیل کند. یا اگر موجبی برای صدور قرار نباشد بلاقید آزاد شود.

ش) حق سوال از شهودی که علیه متهم شهادت می‌دهند:

سوال: آیا متهم حق دارد که از شهودی که علیه او شهادت می‌دهند سوال‌هایی بکند؟

پاسخ: بلی. متهم می‌تواند برای روشن شدن قضیه و کشف حقیقت از شهودی که علیه او شهادت می‌دهند سوال‌های بکند. ولی باید سوال‌های خود را به قاضی دادگاه بدهد و قاضی دادگاه سوال‌های او را مطرح کند و از شهود پاسخی بخواهد. (۲۴)

ص) حق اخذ رسید در هنگام بازرسی از منزل و بازرسی بدنی متهم:

اول: همان‌گونه که در بالا گفته شد ورود به منزل و بازرسی و تفتیش منزل و محل کار متهم باید با دستور مقام قضایی و با حکم مخصوص انجام شود. (۲۵)

دوم: در صورتی که مامورین و ضابطین دادگستری بر اساس دستور مقام قضایی و حکم مخصوص اقدام به بازرسی منزل یا محل کار متهم کنند، مکلف هستند که صورت جلسه‌ی در دو نسخه تهیه کنند. ضمن این که کلیه‌ی اشیاء و آن چه در منزل و یا محل کار متهم در ارتباط با موضوع اتهام کشف می‌کنند و هر دو نسخه به امضای متهم و حاضرین در محل و مامورین بازرسی کننده برسانند، و یک نسخه از صورت جلسه‌ی مذکور را به عنوان رسید به متهم تسلیم کنند.

مثال: کسی متهم به تقلب در تهیه و ساخت مواد دارویی شده است. ضابطین دادگستری با دستور مقام قضایی و حکم خاص بازرسی از منزل متهم باید پس از ارائه حکم صادره به متهم، وارد منزل شده و فقط آن چه که مرتبط با تهیه و ساخت مواد دارویی است از منزل متهم توقیف و ضبط کنند (ترازو سنجش مواد اولیه، برچسب‌های دارویی و ...) ولی حق ندارند دیگری که غیر مرتبط با تهیه و ساخت دارو است مثل چک یا پول یا... را از منزل یا محل کار متهم توقیف کنند. در ضمن در صورت مجلس تنظیمی ویژگی‌های مواد دارویی که کشف شده است، برای مثال: پودر است یا مایع و میزان آن‌ها را قید کنند و به امضای حاضرین یا متهم در صورت حضور برسانند. پس صورت مجلس امضا نشده توسط متهم یا حاضرین فاقد هر گونه اعتبار قانونی است. (۲۶)

سوم: مامورین بازرسی کننده بدنی از متهم مکلف هستند که در هنگام بازرسی بدنی در دو نسخه صورت مجلس تنظیم و ضمن تعریف و توصیف اشیای توقیف شده از متهم در آن، هر دو نسخه صورت مجلس تنظیمی را به امضای متهم رسانده و یک نسخه از آن را به عنوان رسید به متهم تسلیم کنند. در غیر این صورت، صورت جلسه فاقد امضا و رسید هیچ گونه اعتبار قانونی ندارد.

ض) حق استرداد اموالی که در بازرسی بدنی متهم کشف شده است:

سوال: آیا متهم حق دارد اموالی را که در منزل یا محل کار یا در بازرسی بدنی از او بدست آمده را از دادگاه یا از دادسرا مطالبه کند؟

پاسخ: بلی. زیرا اموالی که در جریان بازرسی منزل یا محل کار و یا در بازرسی بدنی از متهم کشف و توقیف می‌شود، تنها به منظور تحقیق و بررسی در خصوص ارتباط اموال مذکور با اتهام وارده و سنجش آن‌ها به عنوان دلیل یا قرینه مورد استفاده قرار می‌گیرند و بازپرس یا قاضی دادگاه مکلف است پس از سنجش و بررسی اشیای مزبور و پس از پایان تحقیقات و در صورت رفع نیاز دستور استرداد آن‌ها را به متهم صادر کند. بنابراین در صورتی که تحقیقات پایان یافته باشد و دیگر نیازی به در توقیف بودن آن اشیاء نباشد متهم می‌تواند استرداد آن‌ها از دادسرا یا دادگاه را تقاضا کند. (۲۷) مگر این که اشیای توقیفی از جمله اشیایی باشند که باید معدوم گردند مثل مواد مخدر.

ط) حق دریافت نسخه ایی از قرار یا دادنامه:

بعد از این که نتیجه ی انجام تحقیقات یا رسیدگی به اتهام، منجر به صدور قرار یا حکم شود، دادسرا و دادگاه مکلف هستند که یک نسخه از رای صادر شده را بعد از امضا و مهر به متهم تسلیم کنند که به این عمل در اصطلاح حقوقی «بلاغ» می گویند و چنان چه دادسرا یا دادگاه از تسلیم یک نسخه رای به متهم خودداری کند، متهم حق دارد که یک نسخه از رای صادره را مطالبه کند و عدم تسلیم نسخه ای از دادنامه به متهم تخلف از قانون است که متهم حق شکایت به مراجع صالح را دارد. زیرا علت اینکه متهم حق دارد یک نسخه از رای صادره در اختیار او باشد، این است که متهم حق دارد نسبت به آرای صادر شده اعتراض و تجدید نظرخواهی کند و برای اعتراض و تجدید نظرخواهی لازم است که از محتوای رای مطلع باشد تا چنان چه رای صادره بر خلاف قانون یا آن چه که در پرونده بوده است صادر شده باشد به موارد نقض قانون یا بی توجهی به اسناد و مدارک موجود در پرونده استناد کرده و نقض آن را بخواهد. از نظر قانونی هر رای یی که صادر می شود باید مستدل (یعنی با دلیل) باشد، مستند (یعنی مطابق قانون) باشد و موجه (یعنی عقلانی) باشد. چنان چه نسخه یی از رای به متهم تسلیم نشود، نمی تواند از محتوای آن و از مستدل یا مستند یا موجه بودن یا نبودن آن مطلع و نسبت به آن اعتراض موجهی کند. (۲۸)

ظ) حق برخورداری از بهداشت، غذا و تفریح سالم در زندان:

سوال: آیا متهمی که با قرار بازداشت موقت یا به هر دلیل دیگر مدتی را باید در بازداشت باشد حق دارد از حقوق مربوط به زندانیان در رابطه با بهداشت، غذا و تفریح سالم در زندان برخوردار باشد؟

پاسخ: بله. متهمان نیز مانند محکومان از حقوق مربوط به بهداشت زندانیان مثل حق داشتن لباس به میزان مناسب. (۲۹) حق درخواست سم پاشی و ضد عفونی کردن مکانی که در آنجا نگهداری می شود، برای جلوگیری از ظهور حشرات یا اشاعه ی ویروس و بیماری های موسمی و ... (۳۰) و حق مراجعه به بهداری زندان برخوردار است. همچنین از نظر غذایی متهمین بیمار باید غذایی میل کنند که طبق برنامه و نظریه ی پزشک معالج برای او تجویز شده است (۳۱) و حق دارند از آب آشامیدنی سالم و اغذیه لازم که دارای کالری و ویتامین های کافی باشد برخوردار باشند (۳۲) در ضمن متهمین حق دارند از تفریحات سالم در زندان برخوردار باشند و در مدت اقامت در زندان در مراکز حرفه آموزی و اشتغال و یا موسسات صنعتی و کشاورزی و خدماتی مشغول به کار و حرفه آموزی شوند (۳۳)

پی نوشت ها:

۱- بند ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۲ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی اصل ۳۷ قانون اساسی

۲- ماده ۱۲۴ قانون آئین دادرسی کیفری

۳- ماده ۲۱ قانون آئین دادرسی کیفری بند ۶

۴- ماده ۱۱۳ قانون آئین دادرسی کیفری

۵- ماده ۱۱۹ قانون آئین دادرسی کیفری

۶- ماده ۲۴ قانون آئین دادرسی کیفری

۷- ماده ۱۱۸ قانون آئین دادرسی کیفری

۸- مواد ۲۵، ۴۰ و ۴۱ قانون آئین دادرسی کیفری

۹- اصل ۳۲ قانون اساسی و مواد ۲۴ و ۱۲۹ و ۱۹۲ قانون آئین کیفری

۱۰- بند ۳ ماده واحده ی قانون حفظ حقوق شهروندی و اصل ۳۵ قانون اساسی و ماده ۱۲۸ قانون آئین دادرسی کیفری

۱۱- ماده ۱۲۹ قانون آئین دادرسی کیفری و اصل ۲۳ قانون اساسی

۱۲- ماده ۱۲۹ و ۱۹۴ قانون آئین دادرسی کیفری

۱۳- اصل ۲۲ و ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی و بند ۷ قانون حفظ حقوق شهروندی

۱۴- تبصره ۱ ماده ۱۸۸ قانون آئین دادرسی کیفری

- ۱۵- اصل ۲۵ قانون اساسی و ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۰۴ و تبصره ذیل آن از قانون آئین دادرسی کیفری
- ۱۶- ماده ۲۲۷ آئین نامه ی سازمان زندان ها
- ۱۷- تبصره ۳ ماده ۳ و تبصره ۱ ماده ۲۰ قانون اصلاح قانون دادرسی تشکیل ددگاه های عمومی و انقلاب و ماده ۴۳ قانون آئین دادرسی کیفری و تبصره ذیل آن
- ۱۸- تبصره ۱ ماده ۲۰ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی انقلاب
- ۱۹- بند ج ماده ۱۴ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی انقلاب
- ۲۰- ماده ۴۶ قانون آئین دادرسی کیفری
- ۲۱- ماده ۵۴ و ۵۵ قانون آئین دادرسی کیفری
- ۲۲- ماده ۵۶ قانون آئین دادرسی کیفری
- ۲۳- ماده ۱۹۰ قانون آئین دادرسی کیفری
- ۲۴- ماده ۱۹۸ و ۱۹۹ قانون آئین دادرسی کیفری
- ۲۵- ماده ۲۴ قانون آئین دادرسی کیفری
- ۲۶- ماده ۱۰۷ و ۱۰۸ قانون آئین دادرسی کیفری
- ۲۷- ماده ۱۱۱ قانون اساسی کیفری
- ۲۸- اصل ۱۶۶ قانون اساسی و مواد ۲۱۳ و ۲۱۴ و ۲۱۵ و ۲۱۶ قانون آئین دادرسی کیفری
- ۲۹- مواد ۹۱ و ۹۲ آئین نامه اجرایی زندان ها
- ۳۰- ماده ۱۰۵ آئین نامه اجرایی زندان ها
- ۳۱- ماده ۱۰۳ آئین نامه اجرایی زندان ها
- ۳۲- ماده ۹۳ آئین نامه اجرایی زندان ها
- ۳۳- ماده ۴۳ آئین نامه اجرایی زندان ها

